

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز تحت عنوان:
A Critique of the Schematic Project of Masjed al-Nabi's Landscape in the
"Book "Islamic Gardens and Landscapes
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

نقطه نظر / نقد نظر

نقدی بر طرح شماتیک منظر مسجدالنبی در کتاب «باغ و منظر اسلامی»

رضا کسروی*

دکترای معماری منظر، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۷/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۳

چکیده

با توجه به جایگاه مهم مسجد در عالم اسلام، رجوع مجدد به اولین مسجد که به دست پیامبر (ص) ساخته شد می‌تواند به تفسیرهای جدیدی از مسجد و طراحی آن بینجامد. توجه به منابع فقهی و روایی قرون گذشته در کنار توجه مرسوم به منابع تاریخی معماری و منظر در این زمینه راهگشاست. اگرچه پیامبر در مسقف کردن مسجد الا به ضرورت، و میل ایشان به سادگی معماری مسجد و بی‌مرزی بین شبستان و حیاط و همچنین ممانعت از کاشت درخت در حیاط مسجد نکاتی هستند که در منابع فقهی و تاریخی به آن پرداخته شده است. راگلز در طرح شماتیکی که در کتاب «باغ و منظر اسلامی» از مسجدالنبی ارائه می‌کند به این موارد توجه نکرده است.

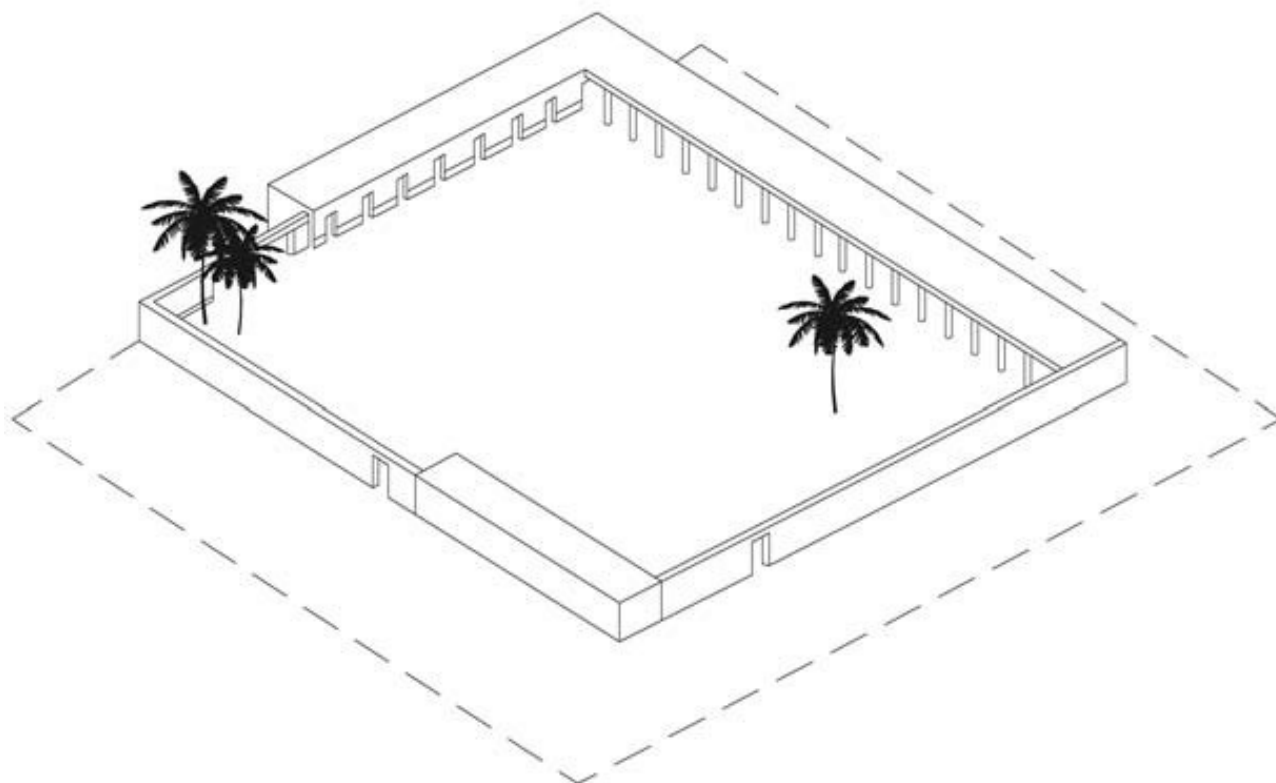
واژگان کلیدی: مسجدالنبی، منظر، کتاب باغ و منظر اسلامی.

مقدمه و بیان مسئله

معماری و منظر مسجدالنبی چگونه بوده است؟ راگلز نویسنده کتاب «باغ و منظر اسلامی» تصویری شماتیک از کالبد مسجد پیامبر و حضور درخت در حیاط آن به دست می‌دهد (Ruggles, 2008) که این یادداشت مختصراً به نقد این نظر در حوزه معماری و منظر می‌پردازد (تصویر ۱). رجوع به منابع مرسوم؛ از قبیل کتاب‌های تاریخی که اصطلاحاً تاریخ‌نگارانه به گذر زمان می‌نگرند امری معمول است اما به نظر می‌رسد توجه به روایت‌هایی که از دریچه منابع و معارف دینی به موضوعات معماری و منظر مسجد می‌نگرند نیز باید جایگاه خود را بیابد. با عنایت به انباشت فوق‌العاده مباحث فقهی-حقوقی در تمدن اسلامی که تمدنی فقهی نیز شمرده می‌شود، راه یافتن به مباحث فقهی و روایی، حصول به الگوهای معماری و منظر اسلامی را تسهیل و نقد نظرات افرادی که احیاناً از این سنت دور هستند را، ممکن می‌کند.

بدنه نقد

معرف الگوی عبادتگاه در عالم اسلام پیامبر اکرم (ص) است. به بیان امروزی، طراح مسجد و ناظر و همکار ساخت آن خود رسول خدا (ص) است. در روایات اسلامی آمده است ایشان خود خطی بر روی زمین به شکل مستطیل کشیدند و حد زمین را مشخص و زمین را به دو بخش؛ مکانی برای زیستن (خانه) و محلی برای عبادت تقسیم کردند. در روایت معتبری از امام صادق (ع) که از جمله در منابع اصلی شیعه (از طریق مشایخ ثلاثه) آمده است: پیامبر دیوارهای مسجد خود را با خشت بالا آورد و آن را محصور نمود. پس از افزایش جمعیت مسلمانان دیوارها را توسعه داد و بر ضخامت آن افزود و سپس با جمعیت بیشتر مسلمانان مجدداً مسجد را بزرگ‌تر کرد. نکته مهم در این روایت آن است که مسجد پیامبر سقف نداشت و چون مسلمانان از تابش افتاب و گرمای آن شکایت کردند، لذا پیامبر سایه‌بانی از چوب و شاخه‌های درخت برای آن قرار داد. تا اینکه در معرض باران قرار گرفته و تقاضا کردند که برای جلوگیری از ورود قطرات باران به مسجد سقفی گلی برای مسجد ساخته شود.



تصویر ۱. مسجد پیامبر در مدینه. مأخذ: Ruggles, 2008.

به آن نیز زایل نمی‌شود و در هوای بارانی، به مسجد رفتن مورد تأکید نیست، زیرا در روایت است که وقتی زمین با باران خیس می‌شود نماز را در خانه به‌جای آورید» (موسوی عاملی، ۱۳۶۷). به نظر می‌رسد مسلمانان صدر اسلام در وهله اول به سادگی در ساخت مسجد (سازواری بودن خانه خدا و خانه خلق) توصیه می‌شوند. مکشوف بودن مسجد تا جایی اهمیت دارد که حضرت ولی عصر (عج) پس از قیام خود سقف مساجد را خراب می‌کند و مجدداً آن‌ها را مانند همان سایه‌بانی که محل عبادت حضرت موسی بود می‌سازد^۲ (صدوق، ۱۴۳۷ ه.ق.).

از نگاه منظرین در تقسیم محوطه مسجد، مرز مشخصی بین بخش مسقف (موقت) و حیاط مسجد پیامبر وجود ندارد و مانعی برای دید و حرکت بین دو بخش معماری و منظر متصور نیست، هرچند جهت قبله همواره حتی با توجه به تغییر سمت قبله در سال دوم هجری رو به دیوار بوده است (وجه منظرین حیاط در غیر از هنگام عبادت است). مضافاً اینکه توجه به این بی‌مرزی و توصیه به مسقف نبودن مسجد (جریان هوا، بو، صدا)، کاربری مسجد را به حوزه منظر نزدیک‌تر می‌کند. یعنی می‌توان آن را موضوع طراحی

پیامبر درخواست آنان را برای بنای سقف گلی را نپذیرفتند و تا رسول خدا زنده بود مسجد همین‌گونه بود^۱ (کلینی، ۱۳۹۹). پیامبر تا پایان عمر در همین مسجد نماز می‌گذارد. در ماه مبارک رمضان یک دهه در مسجد اعتکاف می‌کرد و گاه باران از سقف چکه و رسول خدا را خیس می‌کرد. در خصوص بنای عبادتگاه، شاید مهمترین نکته مخالفت پیامبر با پیشنهاد صحابه با مسقف کردن مسجد (با خشت و گل) باشد. ایشان در پاسخ صحابه می‌فرمایند: «من میل دارم مانند برادرم موسی سایه‌بانی (عریش) داشته باشم» (بیهقی، ۱۳۶۱). عریش از جنس چوبی است که در بادیه یافت می‌شده است. به‌کاربردن آجر و خشت در ساخت سقف و استفاده از شاخ‌وبرگ، در عین سادگی و مردم‌واری، نور و تهویه لازم را برای عبادتگاه فراهم می‌ساخت. کسانی که به تفقه در نصوص روایی می‌پردازند این روایات را کاملاً تلقی به قبول کرده و به استناد آن فتوی داده‌اند که: مسقف بودن مسجد مکروه و یا مکشوف بودن آن مستحب است. در این خصوص، بعضی مانند شیخ طوسی چندان به کراهت سقف زدن و یا استحباب مکشوف بودن آن پایبند بوده‌اند که گفته‌اند: «کراهت سقف زدن حتی در موارد نیاز

منظر دانست.

نظر پیامبر اکرم (ص) درباره کاشت گیاه در حیاط مسجد در شناخت الگوی منظر مدنظر ایشان نیز مهم است. درباره زمین مسجد پیامبر چند روایت در دست است. از جمله اینکه زمین مسجدالنبی جایی بود که در آنجا خرما خشک می‌کردند. براساس روایات تاریخی، باغی در مقابل مسجد پیامبر (ص) وجود داشت و در آن چاهی بود به نام «حاء» که رسول خدا (ص) وارد آن باغ می‌شدند و از آن چاه می‌نوشیدند. روایت دیگر این است که در زمین مسجد قبر چند نفر از مشرکان، بناهایی مخروبه و چند درخت خرما وجود داشت که ایشان امر به جابجایی قبرها و قطع درختان کردند و پستی و بلندی‌های زمین را صاف نمودند (نجفی، ۱۳۸۶). بدین ترتیب در الگوی مدنظر پیامبر (ص)، حیاط مسجد فاقد هرگونه درخت و احتمالاً منبع آب بوده و این هردو، جایی خارج از محوطه مسجد جستجو می‌شده است. این که اساساً کارکرد حیاط

به‌عنوان فضای باز محصور در مسجد پیامبر چیست و آیا واسط بین خانه پیامبر و شبستان (نیمه‌باز) است یا مفصلی برای رسیدن از بیرون مسجد به شبستان نیاز به بررسی بیشتر دارد.

با عنایت به توضیحات فوق، طرحی که راگلز در کتاب «باغ و منظر اسلامی» از سقف و حیاط مسجدالنبی ارائه می‌کند از نظر معماری و منظر با آنچه از منابع روایی اسلامی به دست می‌آید همخوانی ندارد. علاوه بر متون روایی و فقهی تاریخ باغسازی اسلامی نیز نشان می‌دهد کاشت درخت در حیاط مسجد برای اولین بار در مسجد جامع کوردوبا و سپس برخی از دیگر نقاط عالم اسلام با توجیه وقف و تأمین هزینه‌های نگهداری و اداره مسجد انجام شد و از آنجا که مسقف‌شدن مسجد نیز از دوران اموی آغاز شد انتساب آن به مسجدالنبی درست نیست. در الگوی اولیه مسجد، حیاط و شبستان درهم آمیخته و عنصر گیاهی در آن راه ندارد.

پی‌نوشت‌ها

۱. اصابتهم الامطار فجعل المسجد يكف عليهم فقالوا يا رسول الله لو امرت بالمسجد فطين فقال ص لهم: لا عريش كعريش موسى (ع).
۲. اول ما يبداً به قائمنا سقوف المساجد فيكسرها و يامر بها فتجعل عريشا كعريش موسى.

فهرست منابع

- بیهقی، ابوبکر. (۱۳۶۱). *دلائل النبوه* (ترجمه محمود مهدوی دامغانی). تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- صدوق، محمد. (۱۴۳۷). *من لایحضره الفقی*. ج. ۱. قم: دفتر

انتشارات اسلامی.

- کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۳۹۹). *الکافی*. ج. ۳. تهران: انتشارات دانش گویا.
- موسوی عاملی، سید محمد. (۱۳۶۷). *مدارک الاحکام فی شرح شرائع الاسلام*. ج. ۴. قم: انتشارات مؤسسه آل‌البیت.
- نجفی، محمدباقر. (۱۳۸۶). *مدینه‌شناسی*. ج. ۱. تهران: نشر مشعر.
- Ruggles, D.F. (2008). *Islamic Gardens and Landscapes*. Philadelphia: University of Pennsylvania.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author (s), with publication rights granted to the journal of art & civilization of the orient. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله
کسروی، رضا. (۱۴۰۱). نقدی بر طرح شماتیک منظر مسجدالنبی در کتاب «باغ و منظر اسلامی». *مجله هنر و تمدن شرق*، ۱۰(۳۷)، ۶۵-۶۸.

DOI:10.22034/JACO.2022.365097.1266

URL: http://www.jaco-sj.com/article_158774.html

